

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[آرم]

شیر و خورشید

وزارت کشور، استانداری هفتم؛ شماره: ۱۵/س ر؛ تاریخ: ۳۴/۴/۲۶؛ رونوشت گزارش آقای کشفی بازار[س] اعزامی به آباءه؛ محرمانه، مستقیم

مقام تیمسار استاندار معظم استان ۷

محترماً در اجرای امریۀ شماره ۲۵۹/م - ۳۴/۴/۱۲ به معیت آقای سرهنگ ۲ حبیبیان مأمور اعزامی ناحیه ژاندارمری، به آباءه عزیمت و در آنجا با آقای سرهنگ ۲ اسداللهزاده، مأمور ژاندارمری کل کشور، تماس گرفته و شروع به رسیدگی و تحقیق و معاینات محلی نموده و آنچه در نتیجه اقدامات و بررسی‌های معموله استنباط گردید، طی صورتجلسه‌ای که در سه نسخه تنظیم شده، به طور تفصیل تشریح و اینک جریان حوادث و مطالعات و تحقیقات معموله را به طور اختصار به عرض می‌رساند:

- ۱- علت اصلی بروز غائله در آباءه و قراء نزدیک آن، نتیجه تحریکاتی است که توسط رئیس دارایی سابق آنجا (آقای جواد صاحب‌اختیاری) که به صورت منبر رفتن و سخن‌رانی کردن او در مساجد آباءه و صغاد و کوشک شروع گردیده و مسلمانان را علیه بهائیان شدیداً تهییج نموده است.
- ۲- در روز ۳۴/۲/۲۹ که حظیره‌القدس بهائیان توسط ژاندارم‌ها اشغال شده بود، بین یک نفر ژاندارم با دو نفر بهائی که می‌خواستند از مداخلات و استقرار ژاندارم‌ها در آنجا جلوگیری کنند، نزاع که بالنتیجه ژاندارم مزبور مجروح و چون فرمانده گروهان ژاندارمری (سرگرد موبد) در همان موقع نسبت به تعقیب مرتکبین کوتاهی و خونسردی نموده، احساسات مسلمانان تحریک و شروع به تظاهر می‌نمایند.
- ۳- در تاریخ ۳۴/۳/۱ اهالی صغاد مجتمع و به خانه بهائیان آن محل هجوم و منازل متعلق به اشخاص زیر را مورد تخریب و آتش سوزی قرار داده‌اند: الف) خانه عباس پاکباز یک اطاق آتش زده شده و سه تخته درب و مقداری اثاثیه و لوازم سوزانده و شکسته‌اند. ب) خانه ایرج ثابت سه اطاق نوساز که درب‌های آن هنوز حاضر نبوده، فقط چهارچوب داشته، با تیرهای سقف ایوان سوخته، مقدار مختصری اثاثیه و یک چرخ خیاطی پای سوزانیده‌اند. ج) منزل حبیب[الله] روزبه فقط چهار تخته درب اطاق کنده و شکسته شده که فعلاً مرمت نموده و قدری چینی و شیشه و مس هم خرد کرده‌اند. د) خانه خلیل تاشی^۲ یک اطاق کوچک روستایی سوخته که سقفش فرو ریخته، چون درب اطاق کنده و سوزانده شده، مقداری اثاثیه و لحاف و نمد سوخته و زن صاحبخانه مدعی بود که سه رأس بزغاله هم در آتش انداخته و سوزانده‌اند و صحت و سقم آن مشخص نبود.
- ۴- در تاریخ ۳۴/۳/۷ سه نفر از مسلمانان کوشک یک نفر بهائی را کتک زده و چوب در مقعد او می‌نمایند که [به] وسیله سربازان و ژاندارم‌های مستقر در حظیره‌القدس دستگیر و به آنجا برده شده، ولی عده‌ای به حال اجتماع برای استخلاص آنها رفته و درجه‌دار سربازان ناچار دستگیر شدگان را آزاد می‌کند. جمعیت هم به طرف قلعه رفته و درب محل استقرار مأمورین را به روی آنها بسته و به خانه بهائیان هجوم نموده، بعداً سربازان درب را باز و با تیراندازی هوایی جمعیت را متفرق و عده‌ای از مسلمانان صغاد هم به آنجا آمده و شروع به آتش زدن خانه‌های بهائیان می‌کنند

۱. در نسخه اصل: ۳۴/۳/۱۰.

۲. در نسخه اصل: خورد.

۳. در نسخه اصل: تابش.

۴. در نسخه اصل: ۳۴/۴/۷.

که سرگرد موبد هم رسیده، دو نفر ژاندارم برای جلوگیری قسمتی از جمعیت می‌فرستد که یکی از آنها برای ممانعت از هجوم مردم، تیراندازی و دو نفر مسلمان صغادی را مجروح کرده و آثار سوختگی و ویرانی آنجا به شرح زیر است: الف) خانه نعمت‌الله تشکر تیرهای سقف چهار اطاق خشتی سوخته و ریخته و می‌گوید که در حدود ۵۰۰ تومان زندگیم را سوزانده‌اند که اغراق به نظر می‌رسید. ب) خانه داوود ترابی سه اطاق خشتی آتش زده شده که تیرهای سقف سوخته و ریخته و چند نفر را مرتکب می‌داند و می‌گوید: نمی‌دانم زندگی‌ام را برده‌اند یا سوزانده‌اند. ج) خانه بی‌بی‌جان یزدانی دو اطاق و یک دولابچه آتش زده شده و بنا به اظهار خودش جزئی لوازمش را سوزانده‌اند که تقریباً مشهود بود راست می‌گوید. د) خانه ماشاءالله تشکر دو اطاق خشتی درب‌ها و سقف آن سوخته و شکسته و قریب یک خروار کشمش و جزئی اثاثیه او را سوزانده‌اند. ه) خانه یدالله تشکر سه اطاق، دو اطاق آن خشت بوده، سوزانده شده و اثاثیه رعیتی او را [برده و چیزهایی] از قبیل جوال و پشم و صد من کشمش سوزانده شده. و) خانه حسین‌قلی تشکر سوختگی نداشته، ولی مقداری اثاثیه منزل را شکسته‌اند. ز) خانه رضا[قلی] تشکر دو اطاق سوخته و سقفش فرو ریخته و تقریباً صد من کشمش هم سوزانده شده که مشهود بود. ح) خانه کبری مقتم ساختمان صدمه ندیده، مختصر اثاثیه‌اش را سوزانده‌اند. ط) خانه ضیاء[الله] یزدانی دو اطاق سوخته و درب یک اطاق دیگر هم سوزانده شده، جزئی اثاثیه و درب کوچکی را شکسته‌اند. ی) خانه حسن فرح‌بخش چند درب اطاق نیم‌سوخته و قدری اثاثیه شکسته و سوخته و وسط حیاط مشاهده شد. ک) خانه غلامحسین ترابی دو درب اطاق سوزانده شده، ولی خرابی زیاد ندیده، فقط چند جلد کتاب از بین رفته. ل) خانه مصطفی صادقی آتش سوزی نشده، فقط مقداری اثاثیه شکسته در گوشه حیاط دیده شد. م) خانه حسین‌قلی عبداللّهی قدری اثاثیه و یک اطاق آتش زده شده و سقف آن سلامت است.

۵- در تاریخ ۳۴/۳/۶ عده‌ای از مسلمانان همت‌آباد در محلّ ازحام نموده و اعمال زیر را مرتکب شده‌اند: الف) خانه حبیب‌الله رهایی فقط کلون درب شکسته و می‌گوید جزئی اثاثیه چای‌خوری از بین رفته است. ب) خانه احمدقلی گلشن وسط یک تشک و بالش آثار سوختگی دیده شد و سماور و چراغ و ظروف شیشه‌ای شکسته شده، مشهود بود. ج) کوره آجر و گچ‌پزی رضا تابنده، کوره سالم بود ولی خاکستر و آثار سوختگی مقداری بوته و خار که خودش می‌گفت سیصد بار بوده، مجاور کوره دیده شد.

۶- در تاریخ ۳۴/۳/۶ عده‌ای از مسلمانان درغوک ازحام نموده و مرتکب اعمال زیر شده‌اند: الف) منزل ثانی مقتبس چند درب اطاق و چند صندوق چوبی شکسته و مقداری کاغذ سوخته و چند عدد کاسه و شیشه شکسته شده، ولی آثار سوختگی نبود. ب) خانه احمد صادقی دهمدار ابدأ آثار تخریب و سوختگی نداشت و فقط سرپاسبان علی مقتبس مدعی بود که چهار صندوق چوبی سوزانده شده، ولی دو لنگه درب شکسته شده مشاهده شد. ج) منزل وراثت عزیزالله دادگستر آثار سوختگی و حریق دیده نشد، می‌گفتند چند تگه ظرف چای‌خوری شکسته و چیزی هم نبرده‌اند.

۷- در تاریخ ۳۴/۳/۶ در قریه ادریس‌آباد مسلمانان محلّ، اجتماع و اعمال زیر را مرتکب شده‌اند: الف) منزل میرزا علی دانا آثار سوختگی ندارد، بنا به اظهار یک دختر چند شیشه درب شکسته که دیده شد و مقداری کتاب مدرسه برده‌اند، ولی اسباب اطاق‌ها مرتب چیده شده مشهود گردید. ب) منزل سید مهدی دانا قفل بود، ولی به طوری که استعمال شد خرابی و سوختگی نبوده، فقط یک لحاف و دو تگه اسباب خرده‌ریز سوزانیده‌اند.

با^۹ عرض مراتب بالا آنچه از پرونده‌های موجود در فرمانداری و ژاندارمری و معاینات و تحقیقات محلی مستفاد گردیده، این حوادث در درجه اول بر اثر تحریکات رئیس دارایی سابق (جواد صاحب‌اختیاری) شروع شده و چون در مرکز شهرستان رئیس کلانتری (سروان حکمت) که خودش اهل محلّ و عده‌ای از پاسبانانش بهائی محلی بوده‌اند، نتوانسته اقدامی بکند، مسلمانان بیشتر تحریص شده و به نظر چاکر مقتضی است با در پیش بودن ماه‌های سوگواری اسلامی و موقعیت فعلی، یک نفر افسر باتجربه و شایسته به جای رئیس شهربانی فعلی اعزام و نیز پاسبانان بهائی او با افراد زبده و غیر محلی تعویض شوند. البته تحریکات و دستورات آقای بدیع‌الله آگاه رئیس محفل بهائی آباء هم که ایجاد مقاومت در بهائیان نموده، در شدت این جریان تأثیر داشته و قضایا را به صورت یک جنگ اعصاب تحمیلی به هر دو طرف درآورده که منجر به مناقشات و بالتّتیجه منازعات و اغتشاشات واقع گردیده است. در قبال این حوادث

^۹ در نسخه اصل: ۸- با عرض مراتب بالا.

شخص آقای فرماندار با حسن نیت پیش‌بینی‌های لازم را نموده و آنچه برابر مقررات قانون در عهده داشته از کوشش‌های لازمه فروگذار نکرده و دستورات کافی هم به مأمورین انتظامی داده، ولی شدت تحریکات و هم سهل‌انگاری و کوتاهی برخی مأمورین انتظامی باعث تشدید وقایع گردیده است. مثلاً فرمانده گروهان ژاندارمری (سرگرد موبد) چنانچه در وحله اول که یک نفر ژاندارمرش [به] وسیله دو نفر بهائی مضروب و مجروح گردیده، اگر ابراز قدرت نموده بود و مرتکبین را تعقیب و دستگیر و تسلیم مجازات می‌کرد، مسلماً هم بهائیان سر جای خود می‌نشستند و هم احساسات مسلمین تسکین پیدا می‌کرد، ولی سستی‌های اولیه افسر مزبور به عملیات ماجراجویان میدان داده و بعداً هم که با تقویت ناحیه اقداماتی کرده، به قدری شدت عمل به خرج داده که فعلاً هر دو طرف نسبت به او اظهار بغض و نفرت و عدم رضایت می‌کنند و حتی شایع بود که از بهائیان پولی هم گرفته، ولی آنچه تحقیق شد، صحت آن به ثبوت نرسید. ضمناً چون بعضی افراد بهائی مانند سرگرد بازنشسته فتح‌الله اعلائی و غیره پس از ختم حوادث از شیراز به آباده آمده و مجدداً بهائیان را که اظهار ندامت نموده و فعلاً سکوت اختیار کرده بودند، تشویق به استقامت و تهییج و ترغیب به پافشاری و سماجت می‌کنند، بسیار مقتضی است که از عزیمت و تبلیغ این‌گونه اشخاص هم جلوگیری شود.

در خاتمه، بدین وسیله یک نسخه از صورت‌جلسه‌ای که در ۴ برگ تنظیم شده و ضمن آن شرح تحقیقات و معاینات و مشاهدات مربوط به جریان واقعه و خسارت وارده به طور تفصیل تشریح شده، جهت استحضار خاطر مبارک به پیوست تقدیم می‌گردد. موکول به اوامر عالی است.

بخشدار داراب و نماینده اعزامی استانداری استان هفتم در آباده، کشفی

رونوشت با اصل برابر است، [امضا]

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]